

سن مسؤولیت کیفری در

حقوق اسلام

عبدالرضا اصغری

مدرس دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده:

بلوغ (سن مسؤولیت)، امری تکوینی است، نه تشریحی و تعبدی؛ لذا در فرایند رشد طبیعی و در رابطه با عوامل اقلیمی، وراثت و مانند آن ظهور پیدا می‌کند. در قرآن کریم به سن خاصی در تحقق بلوغ اشاره نشده است و فقط به معیارهایی همانند «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» اشاره شده است. در سنت، گرچه به سنهای مختلف اشاره شده است، ولی نه به عنوان یک معیار، بلکه به عنوان طریق به تحقق معیار بلوغ که «احتلام در پسران و حیض در دختران» باشد. به بیان دیگر، در سنت، معیار بلوغ، احتلام و حیض است و سن یا سنهای معین، طریقت بر آن معیار می‌باشد. در مسؤولیت کیفری، علاوه بر بلوغ، رشد کیفری نیز شرط است.

مقدمه

تاریخ پیدایش انسان نشان می‌دهد که این موجود خاکی و بااستعداد، از بدو خلقت، در معرض لغزش و انحراف و جنایت قرار داشته است. تعیین کیفرهای الهی و بشری نیز در جهت پیشگیری از این‌گونه لغزشهاست. قرآن کریم داستان لغزش اولین انسان (آدم عَلَيْهِ السَّلَام) و همسرش در تناول میوه ممنوعه و مجازات آنها؛ یعنی تبعید از عالم بهشت به عالم خاکی^۱ و نیز داستان ارتکاب اولین جنایت بشری؛ یعنی قتل هابیل توسط قابیل^۲ را به صورت زیبایی نقل کرده است.

بنابراین، سابقه لغزش و جرم و به دنبال آن، ایجاد مسئولیت و تحمل مجازات در زندگی بشری به درازای عمر بشر است. تجربه بشری نیز ثابت کرده است تا انسان بر روی کره خاکی است، به اقتضای ابعاد وجودی وی و تضاد و تنازع موجود در زمین و عالم دنیا، در جوامع بشری، جرم و انحرافات نیز وجود دارد. در طول تاریخ، تأمین امنیت فردی و اجتماعی و برقراری نظم و برپایی عدالت و پالایش جامعه از ناهنجاریها و پیشگیری عام از جرم در جامعه و پیشگیری خاص از تکرار آن، ملازم مبارزه با جرم و کنترل آن، به خصوص از طریق مجازات مجرم بوده است.

اما در این زمینه، جامعه بشری همیشه شاهد افراط و تفریطهایی بوده است؛ به طوری که اصول حاکم بر جرایم و مجازاتها که امروزه به عنوان اصول بدیهی و غیر قابل انکار پذیرفته شده، در جوامع مختلف رعایت نمی‌شود؛ چنان که جامعه بشری، شاهد مجازات کودکان و مجانین بوده است.

دین اسلام در آغاز ظهورش در ۱۴۰۰ سال و اندی قبل، کودکان و مجانین را میرا از مسئولیت کیفری دانسته است و غرب نیز با انقلاب فرانسه، به این قاعده دست یافت.

در این مقاله به بررسی حدود مسئولیت کودکان بزهکار و سن تفکیک



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

کودکی از بزرگسالی و سن مسؤولیت کیفری از دیدگاه حقوق اسلام خواهیم پرداخت؛ چرا که اولاً، حقوق اسلام به عنوان منبع اساسی قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران است و قانون اساسی نیز در اصل چهارم،^۱ بر این مطلب تصریح کرده است. ثانیاً، سن مسؤولیت کیفری، از مسائل فقهی مورد اختلاف فقهای عظام می‌باشد و شایسته است مورد بحث قرار گیرد و نظریه درست به قانون‌گذار ارائه شود. ثالثاً، این مسأله، از مسائل زیربنایی بسیاری از احکام مدنی و جزایی است و رابعاً، وجود سیاهه جرایم و انحرافات کودکان بزهکار از یک طرف و اهمیت اصلاح و تربیت آنان از طرف دیگر، ایجاب می‌کند که مسؤولیت کیفری کودکان از دیدگاه اسلام، مورد بررسی قرار گیرد و قواعد، ضوابط و مقررات سنجیده، مفید و مؤثری تدوین شود و شیوه‌های مؤثر و روشهای کارآمدی در برابر بزهکاری کودکان در سنین مختلف، به قانون‌گذار ارائه شود.

در ادامه، سن مسؤولیت کیفری را از سه منظر: «قرآن»، «سنت» و «فقها»، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سن مسؤولیت...



پژوهشها

سن مسؤولیت کیفری در قرآن

احکام اسلامی از منابع چهارگانه: قرآن (کتاب)، سنت، عقل و اجماع استخراج می‌شود که قرآن، از اساسی‌ترین منابع فوق است؛ چون علاوه بر این که خود، منبع مستقل احکام است، اعتبار بعضی از منابع مزبور؛ مثل سنت نیز منوط به معارض نبودن با قرآن می‌باشد. بعد از دقت و امعان نظر در آیات مربوط به بلوغ، نتایج ذیل به دست

۱. «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل، بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

می آید:

۱. وقتی در واژه‌هایی که بیانگر بلوغ انسان است، دقت کنیم، درمی یابیم که بلوغ و رسیدن کودک به مرحله تکلیف، یک امر طبیعی، تکوینی و جنسی است که در فرهنگ قرآن از آن با تعبیری همچون «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» توصیف شده است.

برای توضیح بیشتر، به بعضی از آیاتی که تعبیر فوق در آنها تصریح شده است، اشاره می‌کنیم:

آیه اول: «وقتی که کودکان شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند، باید مانند سایر بالغان با اجازه وارد شوند (و از شما برای ورود اجازه بگیرند) خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می‌کند که او دانا و حکیم است.»^۱

آیه دوم: «... کودکانی که هنوز به حد احتلام نرسیده‌اند، در (شبان‌روز) سه مرتبه (برای ورود) اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، پس از نماز عشا و هنگام ظهر، آنگاه جامه از تن برمی‌گیرید که این سه وقت، هنگام خلوت شماس است.»^۲

آیه سوم: «یتیمان را تا سر حد بلوغ نکاح آزمایش کنید، پس اگر آنان را رشد یافته دیدید، اموال آنان را در اختیارشان قرار دهید.»^۳

آیه چهارم: «به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به طریقه‌ای بهتر تا آن که به حد اشد (که همان تکامل جنسی و رشد است) برسد.»^۴

۲. ملاک و معیار اصلی عبور از دوره کودکی و رسیدن به دوره

۱. «و اذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا كما استأذن الذين من قبلهم كذلك بين الله لكم آياته و الله عليم حكيم» (نور / ۵۹).

۲. «... و الذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلاث مرات من قبل صلاة الفجر و حين تضعون ثيابكم من الظهيرة و من بعد صلاة العشاء ثلاث عورات لكم» (نور / ۵۸).

۳. «و ابتلوا اليتامى حتى اذا بلغوا النكاح فان آنستم منهم رشداً فادفعوا اليهم اموالهم» (نساء / ۶).

۴. «و لا تقربوا مال اليتيم الا بالتي هي احسن حتى يبلغ اشد» (انعام / ۱۵۲).



بزرگسالی (دوره مردانگی و زنانگی)، احتلام و قدرت و توانایی جنسی و عمل زناشویی و تحقق بلوغ اشد (یعنی توانایی جنسی و فکری) است. لذا نمی‌توان برای بلوغ، سن خاصی را معین کرد؛ چرا که رسیدن به مراحل حُلْم، نکاح و اشد، از امور تکوینی به حساب می‌آید و تشخیص مسائل و امور تکوینی و طبیعی، عُرف است، نه شرع. از این رو، تعیین سن خاص در امور تکوینی، خارج از وظیفه شارع است و از این جهت مشاهده می‌شود که در قرآن، هیچ سخنی از سن دختر و پسر به عنوان سن بلوغ به میان نیامده است، بلکه به جای آن، معیارهای کلی ارائه شده است.

۳. بنابراین، می‌توان گفت: سن بلوغ و تکلیف و به دنبال آن، سن مسؤلیت کیفری از دیدگاه قرآن، رسیدن پسر به حد احتلام و دختر به حد حیض است.

البته یادآوری می‌شود که در تحقق مسؤلیت کیفری، علاوه بر بلوغ جنسی، نیاز به بلوغ فکری (رشد) نیز هست و بدین سان، در تحقق مسؤلیت کیفری، دو شرط لازم است: «رسیدن به حد بلوغ» و «رسیدن به رشد و بلوغ فکری». در غیر این صورت، شخص، مسؤلیت کیفری ندارد و نمی‌توان او را در قبال اعمالش مسؤل دانست و ایشان را مجازات نمود. ۴. سن از نظر قرآن، در تحقق بلوغ، نه موضوعیت دارد و نه به عنوان آماره‌ای از امارات ذکر شده است.

سن مسؤلیت کیفری در سنت

پس از قرآن که کلام وحی است، سخنان رسول امین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان عدل کلام وحی از نظر اعتبار، و یکی از منابع در قانون‌گذاری اسلامی محسوب می‌شود و از اعتبار و رجحانیت بالایی برخوردار است و احادیث وارده از امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان مفسران وحی، از منابع تشریح و قانون‌گذاری نیز به حساب می‌آید. لذا نتایج حاصل از این منبع مَوَاج و پرفیض در

سن مسؤلیت...



پژوهشها

خصوص مسئولیت کیفری، از اهمیت بالایی برخوردار است.

سن مسئولیت کیفری در روایات رسیده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

بعد از تأمل و تدقیق در روایات رسیده از پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم می توان نتیجه گرفت:

۱. درباره بلوغ و مسئولیت کیفری کودکان در کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مطابقت، انسجام، تنسیق و هماهنگی با آیات وارده در خصوص بلوغ، به خوبی قابل مشاهده است؛ زیرا در کلام معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که می فرماید: «رفع القلم عن ثلاثة: عن الصبی حتی یحتلم و عن المجنون حتی یفیک و عن النائم حتی یتقیظ»^۱، ملاحظه می شود که کودکی، تا زمانی که احتلام محقق می شود، ادامه دارد و تا رسیدن به این حالت، کودکان، مرفوع القلم هستند؛ یعنی در برابر اعمال خویش، تکلیف ندارند و در نتیجه، از مسئولیت کیفری نیز معاف می باشند.

در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت علی علیه السلام آمده است که پایان «یثم» (کودکی)، تحقق احتلام است^۲ و به محض این که کودک محتلم شد، دیگر یتم و کودک محسوب نمی شود.

۲. در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم احتلام به عنوان ملاک اصلی رسیدن به حد بلوغ معین شده است و سخنی از سن برای تحقق بلوغ، به میان نیامده است.

۳. در کلام وحی و بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره تحقق حد بلوغ و خروج کودکان از مرحله کودکی، معیار واحدی ارائه شده است و آن، احتلام در پسران و حیض (دیدن عادت ماهانه) در دختران می باشد. البته برای تحقق مسئولیت کیفری کودکان، علاوه بر شرط رسیدن آنها به حد



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۰، (باب ۴، حدیث ۱۱).

۲. «یا علی، لایثم بعد احتلام.» (همان، ص ۳۱۵، حدیث ۹).

بلوغ، شرط رسیدن کودکان به مرحله رشد نیز لازم است.

سن مسؤولیت کیفری در احادیث امامان معصوم علیهم السلام

روایات رسیده از امامان علیهم السلام در خصوص بلوغ و مسؤولیت کیفری کودکان، به طور کلی به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. روایاتی که به طور اتفاق، احتلام در پسران و حیض در دختران را نشانه بلوغ می‌داند و هیچ اشاره‌ای به سن ندارد (بلوغ جنسی).
۲. روایاتی که سن را در کنار قاعدگی در دختران و احتلام در پسران بیان کرده است (بلوغ سنی).
۳. روایاتی که در آنها تنها سن به عنوان علامت بلوغ بیان شده و از سایر نشانه‌ها ذکر می‌شود.

۱. بلوغ جنسی:

وقتی که با دقت به روایات دسته اول بنگریم، به این نتیجه می‌رسیم که احتلام و قاعدگی، به عنوان دو امر تکوینی در تحقق بلوغ و سپری شدن دوره «یتیم و کودکی» موضوعیت دارد. با ملاحظه نص روایات زیر، مشاهده می‌شود که ملاک اصلی در تحقق بلوغ و رسیدن به حد مردانگی و زنانگی، همان رسیدن به حالت احتلام و حیض است.

صحیح‌ه هشام: امام صادق علیه السلام فرمود: «کودکی کودک با احتلام که همان اشد اوست، پایان می‌پذیرد و اگر محتلم شد و ایناس اشد از او نگردید، سفیه یا ضعیف است و ولی او باید مالش را در اختیار او قرار ندهد.»^۱
صحیح‌ه علی بن جعفر: «از موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم: کودک در چه زمانی یتیم نیست؟ فرمود: وقتی که محتلم گردد و به گرفتن و عطا (داد و

۱. «انقطاع یتیم بالاحتلام و هو اشد و ان احتلم و لم یؤنس منه اشد و کان سفیهاً او ضعیفاً فلیمسک عنه ولیه ماله.» (همان (کتاب الحجر)، ج ۱۳، ص ۱۴۱، باب ۱، حدیث ۱).

سن مسؤولیت...



پژوهشها

ستد) آشنا شود.»^۱

وصیت پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه: «ای علی! بعد از رسیدن به حد احتلام و بلوغ جنسی، یتیمی (کودکی) نیست.»^۲

۲. بلوغ سنی:

در برخی روایات، سن خاصی ذکر شده است؛ چون در این سن خاص، دختران حیض می‌شوند و پسران به حالت احتلام می‌رسند؛ یعنی از نظر این روایات، سن بما هو، موضوعیت ندارد، ولی اگر سنی در این روایات تعیین شده است، به خاطر تحقق معیار بلوغ (حیض، احتلام) می‌باشد. لذا سن خاص مورد نظر، موضوعیت ندارد، بلکه طریقی به تحقق معیار است. بنابراین، با دقت در اشتراط و تعلیل موجود در متن این روایات، این نتیجه را می‌توان گرفت که سن، موضوعیت ندارد، بلکه طریقی است؛ لذا مشاهده می‌شود که امام علیه السلام در موثقه عبدالله بن سنان^۳، دختر نه‌ساله را بدین خاطر در برابر اعمال خویش مسؤول می‌داند که دختران، معمولاً در این سن حائض می‌گردند. همچنین در موثقه عمار سبابی^۴ ملاحظه می‌شود که امام علی رضی الله عنه وقتی پسر و دختر را در سیزده سالگی، موظف به انجام تکالیف و واجبات و در برابر اعمال خویش، مسؤول و مکلف می‌داند، حلم مذکور را مشروط به این می‌کند که پسر، قبل از سن سیزده



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۱. «سألته عن الیتم متى یقطع یتمه؟ قال: اذا احتلم و عرف الاخذ و العطاء.» (همان، ج ۱، ص ۳۱، باب ۴، حدیث ۶).

۲. «یا علی، لا یتیم بعد احتلام.» (همان، ج ۱، ص ۳۱۵، باب ۴، حدیث ۹).

۳. عن ابی عبدالله رضی الله عنه قال: «اذا بلغ الغلام ثلاث عشرة سنة كتبت له الحسنه و كتبت السیئة و عوقب، و اذا بلغت الجاریة تسع سنین فكذلك و ذلك انھا تحیض لتسع سنین.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۳۱، باب ۴۴، حدیث ۱۲).

۴. عن عمار السبابی، عن ابی عبدالله رضی الله عنه قال: سألته عن الغلام متى تجب الصلاة؟ قال: «اذا اتی علیه ثلاث عشرة سنة، فان احتلم قبل ذلك فقد وجبت علیه الصلاة و جرى علیه القلم، و جاریة مثل ذلك ان اتی لها ثلاث عشرة سنة أو حاضت قبل ذلك، فقد وجبت علیها الصلاة و جرى علیها التلام.» (همان، ج ۱، ص ۴۵، باب ۴، حدیث ۱۲؛ تهذیب، ج ۲، ص ۳۱۸).

سالگی به احتلام نرسیده و دختر، حیض نشده باشد؛ زیرا در صورت محتمل شدن پسر و حیض گردیدن دختر، بلوغ تحقق یافته و دیگر نیازی به سن بلوغ نیست.

پس معیار و میزان برای پیدایش بلوغ، احتلام و حیض است، نه پانزده یا نه سالگی، و ذکر سن در روایات، اماره غالبیه برای تحقق احتلام و حیض و یا مصداقی از مصادیق حد بلوغ (احتلام و حیض) است.

۳. روایات صرفاً مبتنی بر سن:

در این دسته از روایات، فقط به سن اشاره شده است، نه نشانه‌های دیگر، و شاید به این دلیل باشد که از امامان علیهم‌السلام درباره مسأله بلوغ و زمان آغاز تکلیف و مسؤولیت کیفری کودکان، سؤالهای زیادی می‌شده است و امامان معصوم علیهم‌السلام مورد مراجعه قرار می‌گرفته‌اند و آنان گاهی با بیان نشانه‌های طبیعی و تکوینی (احتلام و حیض)، رسیدن به حد بلوغ را بیان می‌کردند و در مواردی، با ذکر سن خاص، از باب تعیین مصداق، پاسخ می‌دادند و در مواردی، هم علایم طبیعی (احتلام، حیض و انبات) را بیان می‌فرموده‌اند و هم سن مشخصی را ذکر می‌کردند.

بنابراین، تعیین سن توسط امامان علیهم‌السلام بیانگر این است که در زمان صدور روایات، چون غالب دختران در فاصله سنی نه تا سیزده سالگی به حد بلوغ جنسی (حیض) می‌رسیدند و پسران نیز نوعاً در سنین سیزده تا پانزده سالگی محتمل می‌شدند، لذا امامان علیهم‌السلام در مواردی به عنوان تعیین مصداق، رسیدن به حد بلوغ را با سنینی از قبیل: نه، سیزده، چهارده و یا پانزده سالگی بیان می‌فرمودند، وگرنه این سنین، به خودی خود، موضوعیت ندارد.

تعدادی از روایات دسته سوم، به قرار زیر است:

روایت ابی حمزه ثمالی: از امام محمد باقر علیه‌السلام پرسیدم: چه وقت کودکان مکلف می‌شوند؟ در پاسخ فرمودند: «در سن سیزده و چهارده سالگی.» پس عرض کردم: اگر در آن سن محتمل نشده باشند چه؟ امام علیه‌السلام

سن مسؤولیت...



پژوهشها

در پاسخ فرمود: «در این سن مکلف می‌شوند و احکام بر آنان جاری می‌شود، اگرچه محتمل نگردند.»^۱

صحیححه حمزة بن حمران: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: چه موقع بر پسر، همه حدود الهی واجب می‌گردد و به سود و زیان او حکم شده، مؤاخذه می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود: «وقتی که از یتیمی و کودکی خارج شده، صاحب ادراک و شعور شود.» گفتم: آیا برای آن، حدی هست که با آن شناخته شود؟ امام علیه السلام فرمود: «وقتی که محتمل شود و به سن پانزده سالگی برسد یا شعور پیدا کند یا موی بر زهار او برآید، حدود الهی بر او اقامه و جاری می‌شود و به سود و زیانش حکم می‌شود.» گفتم: چه موقع همه حدود الهی بر دختر واجب می‌شود و پاداش و کیفر می‌بیند؟ امام فرمود: «دختر مانند پسر نیست؛ زیرا دختر وقتی که شوهر کند و دخول با او صورت گیرد و نه سال داشته باشد، یتیمی او از بین می‌رود.... و حدود «به طور کامل» به نفع و ضرر او جاری می‌شود...»^۲

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «معیار بلوغ زن، نه سالگی است.»^۳



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۱. عن ابی حمزة الثمالی، عن ابی جعفر علیه السلام قال: قلت له: فی کم تجری الاحکام علی الصبیان؟ قال: «فی ثلاث عشرة و اربع عشرة.» قلت: فانه لم یحتلم فیها؟ قال: «و ان کان لم یحتلم فان الاحکام تجری علیه.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۳۲، حدیث ۳، کتاب الوصایا، باب ۴۵).

۲. عن حمران قال: سألت ابا جعفر علیه السلام: متى یجب علی الغلام ان یؤخذ بالحدود التامة و یقام علیه و یؤخذ بها؟ قال: «إذا خرج عنه الیتیم و أدرك.» قلت: فلذلك حد یعرف به؟ فقال: «... اذا احتلم أو بلغ خمس عشرة سنة أو أشعر أو أنبت قبل ذلك أقيمت علیه الحدود التامة و أخذ بها و أخذت له.» قلت: فالجارية متى تجب علیها الحدود التامة و تأخذ بها و یؤخذ لها؟ قال: «إن الجارية لیست مثل الغلام. إن الجارية إذا تزوجت و دخل بها و لها تسع سنین ذهب عنها الیتیم و دفع الیها مالها و جاز أمرها فی الشراء و البیع و أقيمت علیها الحدود التامة و اخذ لها و علیها.» (همان، ج ۱، ص ۳۰، باب ۴، حدیث ۲؛ الکافی، ج ۱۷، ص ۱۹۷، حدیث ۱).

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۴، باب ۴۵، حدیث ۱۰ (چاپ دوم اهل البیت).

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که چون تکلیف، خطاب است و خطاب، متوجه کسی می‌شود که دارای شرایط توجه خطاب باشد، از این رو افراد نابالغ به علت این که مورد خطاب قرار نمی‌گیرند، فاقد تکلیف و مسؤولیت کیفری هستند، اما پس از این که کودکان به حد بلوغ جنسی برسند، از این جهت که از جرگه کودکان خارج شده‌اند، می‌توانند مورد خطاب واقع شوند. لیکن به نظر می‌رسد که تحقق بلوغ جنسی، به تنهایی نمی‌تواند شرط کافی برای وجود مسؤولیت کیفری (گرچه شرایط لازم است) باشد؛ زیرا افرادی که بالغ هستند، اگر به رشد کیفری نرسیده باشند و قادر بر تشخیص حُسن و قبح اعمال خویش نباشد، شایسته مؤاخذه و مجازات نخواهد بود.

پس با توجه به این که وجود ادراک (رشد فکری) یکی از عناصر اساسی تحقق مسؤولیت کیفری است، استنتاج و استنباط ما از مجموع ادله، این است که سن مسؤولیت کیفری، زمانی است که فرد از نظر جسمانی به حد بلوغ جنسی و از لحاظ عقلی و فکری، به رشد کیفری (تمییز حسن و قُبْح) رسیده باشد.

سن مسؤولیت کیفری از نظر فقها

نظرات فقها به عنوان کارشناسان اسلامی و کسانی که مجوز استفاده از منابع احکام اسلامی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) را به علت در اختیار داشتن ابزارهای استفاده از آن منابع (علوم حوزوی) دارند، بسیار مهم و لازم‌الاتباع برای پیروان دین اسلام است.

الف) نظریه مشهور فقهای امامیه:

مشهور فقهای امامیه، سن مسؤولیت کیفری را برای پسران، پانزده سال کامل و برای دختران، نُه سال کامل می‌دانند. عمده‌ترین دلیل مشهور در

سن مسؤولیت...



پژوهشها

سن مسؤولیت کیفری، روایت حمزة بن حمران است که قبلاً ذکر شد. حدیث مزبور در کافی با مقداری تفاوت در روایهای قبل از ابن محبوب، و تفاوتهایی در متن روایت نقل شده است. البته به نظر می‌رسد با توجه به این که هر دو حدیث از یک امام نقل شده است و به ابن محبوب می‌رسد، دارای وحدت سند باشد.

بررسی سند روایت حمزة بن حمران نشان می‌دهد که احمد بن محمد بن عیسی القسری ضعیف است. عبدالعزیز العبدی نیز ضعیف است. حمزة بن حمران نیز که در سند حدیث حمران قرار دارد، توسط احدی از علمای رجال، تعدیل یا توثیق نشده است. از این رو، فقط شهید ثانی روایت را صحیح دانسته است.

ب) اقوال مخالف مشهور فقها:

در برابر نظر مشهور فقهای امامیه، آرای مخالفی وجود دارد که اگرچه با هم تفاوتهایی دارند، ولی از حیث مخالف بودن با قول مشهور فقها با هم موافقند.

اقوال مخالف مشهور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. گروهی از فقها و محققان، با توجه به روایاتی که در باب روزه وارد شده یا اخباری که در ابواب مختلف احکام به ما رسیده است، برای تکالیف مختلف، مراتبی را در نظر گرفته و سنین خاصی را برای هر تکلیف معین کرده‌اند که می‌توان به نظرات فیض کاشانی رحمته الله علیه و آیه الله محمدهادی معرفت اشاره کرد.

مرحوم فیض کاشانی در کتاب *مفاتیح الشرایع* می‌گوید:

جمع بین روایات ایجاب می‌کند که بلوغ سنی، مراتب مختلفی نسبت به تکالیف مختلف داشته است. همان طور که از احادیث روزه به دست می‌آید، بر دختر، قبل از پایان سیزده سالگی، روزه واجب نیست، مگر این که قبل از این سن، حیض شود. از روایات حدود نیز استفاده می‌گردد



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

که در نه سالگی، حد بر دختران جاری می‌شود و روایات دیگری در باب وصیت و عتق، دلالت دارد که از کودک ده ساله، این قراردادها صحیح است.^۱

۲. گروه دیگری از محققان، با توجه به آیات و روایاتی که احتلام و حیض را ملاک بلوغ دانسته‌اند و تعارض روایات مورد استناد مشهور فقها با سایر روایات و در نظر گرفتن مقتضای اصول عملیه؛ مانند اصل برائت و استصحاب و با توجه به واقعیات خارجی و نظر کارشناسان علوم طبیعی، معتقدند که پدیده بلوغ، یک امر تکوینی است و مراد از بلوغ در اسلام، بلوغ جنسی بوده و علامت و نشانه قاطع آن در پسر، رسیدن به حد احتلام و در دختر، دیدن خون حیض است.

از جمله قائلان به نظریه فوق، آیه‌الله معرفت، آیه‌الله مرعشی، آیه‌الله میرسیدعلی طباطبایی، علامه حلی و مرحوم نراقی هستند که به بیانات بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:
استاد معرفت:

ملاک اصلی بلوغ در پسران، رسیدن به حالت احتلام و در دختران، رسیدن به سن رشد زنانگی که با احراز خون حیض صورت می‌گیرد، است... بلوغ، یک امر طبیعی است و نقش شارع مقدس، بیان امارات و علائم متداول است و هیچ‌گونه تعبد شرعی در چنین زمینه‌های طبیعی، در کار نیست.^۲

علامه حلی:

معیار کودک بودن دختران، سن کمتر از نه سال است؛ زیرا دختر در کمتر

۱. محمدحسن فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، تحقیق سیدمهدی رجایی، ج ۱، ص ۱۴، (مجمع الذخایر الاسلامیه). برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۵ و ج ۱۳، ص ۴۳۱؛ تهذیب، ج ۲، ص ۳۱۸.
۲. به نقل از مقاله منتشر نشده‌ای از آیه‌الله معرفت با عنوان «بلوغ دختران».

سن مسئولیت...



پژوهشها

از نه سال، خون حیض نمی‌بیند و دیده نشده که دختری قبل از نه سالگی، خون ببیند؛ بدین جهت که خداوند، خون حیض را آفریده تا غذای جنین باشد. پس حکمت در آفرینش خون حیض، تربیت و نمو جنین در رحم زنان است و دختران، قبل از نه سالگی، شایستگی بارداری ندارند. لذا خون حیض در آنان آفریده نمی‌شود؛ زیرا فاقد حکمت است. همانند منی در پسران که حکمت آفرینش آن در پسران، همگون حکمت آفرینش خون حیض در دختران است که آن (منی) مایه تکوین جنین است و این (خون حیض)، غذای موجب رشد و نمو جنین، و هریک از این دو، در حالت صغر وجود ندارد. از این رو، هر یک، دلیل و نشانه بلوغ می‌باشد و پایین‌ترین سنی که دختران ممکن است خون ببینند، نه سالگی است. پس اول سن حیض، نه سال است و لذا احتمال بلوغ دختران در این سن مطرح گردیده است.^۱

میرسیدعلی طباطبایی:

خون حیض، چیز شناخته شده‌ای است که دیگر ملل و طوایف مردم و نیز اطبا از آن به خوبی اطلاع دارند و چیزی نیست که بر بیان شارع متوقف باشد، بلکه همانند دیگر پدیده‌های طبیعی در بدن انسان؛ مانند بول، منی و غیره که موضوع احکام شرعی قرار گرفته در شناخت آنها به بیان شارع نیازی نیست، بلکه هرگاه تحقق و شناسایی گردید، احکام مربوط، بر آن مترتب می‌گردد.^۲

نتیجه‌گیری:

از بیانات شیخ طوسی در بخش صوم از کتاب مبسوط^۳ و ذکر روایاتی مانند

۱. علامه حلی، منتهی‌المطلب، (چاپ سنگی)، ج ۱، ص ۹۵-۹۶ (به نقل از مقاله منتشر نشده آیه‌الله محمدهادی معرفت). ۲. همان
۳. «و اما البلوغ فهو شرط فی وجوب العبادات الشرعیه، و حده الاحتلام فی الرجال و الحیض فی النساء» (شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۶۶، تهران، ۱۳۸۷).



مجله تخصصی
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

دو صحیححه عبدالله بن سنان^۱ و موثقه ساباطی^۲ و روایات ابی بصیر از امام صادق^{علیه السلام}^۳ و از فتوای مرحوم صدوق در المقنع و من لایحضره الفقیه و اشاره به آیه ۱۵۲ سوره انعام^۴ و آیه ۶ سوره نساء^۵ نتیجه می‌گیریم که معیار اصلی برای رسیدن به بلوغ در پسران، احتلام و در دختران، دیدن خون حیض است و سایر علائم و سن، نشانه‌هایی است که نوعیت دارد، ولی موضوعیت ندارد و نیز بلوغ، امری تکوینی است، نه تشریحی.

البته تعیین سنی که نوعاً دختران در آن، خون حیض می‌بینند و پسران محتمل می‌شوند، از سوی قانون‌گذار ضرورت دارد. شایان ذکر است که برای تحقق مسؤولیت کیفری، علاوه بر بلوغ، ادراک کامل (رشد کیفری) نیز لازم و ضروری می‌باشد. لذا سن برای مسؤولیت داشتن، موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد.

کودک در این سن به مرحله ادراک کامل و رشد فکری می‌رسد، از این رو، افرادی که فاقد ادراک و رشد عقلی هستند، مسؤولیت کیفری ندارند. پس همان طور که تحقق بلوغ جنسی (احتلام، حیض)، شرط لازم برای توجه تکلیف و مکلف شدن است، رشد کیفری و وجود ادراک (قدرت تمییز) نیز برای مسؤولیت کیفری، شرط می‌باشد. بنابراین، برای مسؤولیت کیفری، دو شرط لازم است: «بلوغ» و «رشد کیفری» و هیچ کدام از این دو شرط، به تنهایی برای مسؤولیت کیفری، کافی نیست.

البته در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، با توجه به نظر مشهور فقهای امامیه، حدود مسؤولیت کیفری کودکان تدوین شده است که

۱. در روایت اول، از «بلوغ اشد» سؤال می‌شود و حضرت صادق^{علیه السلام} می‌فرمایند:

«الاحتلام» و در روایت دوم سؤال می‌شود: اگر محتمل نشد؟ امام می‌فرماید: در این صورت، سیزده سالگی معیار است.

۲. در این روایت نیز سن سیزده سال برای دختر و پسر بیان شده، مگر این که قبل از این سال، احتلام یا حیض محقق شود.

۳. «علی الصبی اذا احتلم و علی الجاریة اذا حاضت، الصیام و النخمار».

۴. «حتی یبلغ اشد». ۵. «بلغوا النکاح».

به طور کلی با قوانین سابق، متفاوت است. در قوانین فوق، مسؤولیت کیفری کودکان به دو دوره «قبل از بلوغ» و دوره «رسیدن به حد بلوغ» تقسیم شده است که ماده ۱۴۹^۱ و تبصره‌های آن، بیان‌کننده این مطلب می‌باشد.

در این قانون، با ضمیمه کردن و در نظر گرفتن تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی،^۲ می‌توان گفت: کودکان، قبل از بلوغ شرعی؛ یعنی پسر، قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام قمری و دختر، قبل از رسیدن به سن نه سال تمام قمری، مبراً از مسؤولیت کیفری هستند و زمانی که پسر به پانزده سال تمام قمری و دختر به نه سال تمام قمری رسید، به حد بلوغ شرعی رسیده، دارای مسؤولیت کیفری هستند.

یادآوری می‌شود که این نظریه قانون‌گذار، دارای ایرادات و اشکالات زیادی است که می‌توان اختصاراً به بعضی از آنها اشاره کرد:

۱. عدم تطابق سن تعیین شده، با واقعیات عینی و اجتماعی؛ خصوصاً در دختران که معیار آن، توانایی انجام نکاح است.
۲. عدم تمایز بین کودکان غیر ممیز و ممیز از نظر مسؤولیت.
۳. عدم توجه به رشد کیفری در مسؤولیت کیفری کودکان.^۳



۱. «اطفال، در صورت ارتکاب جرم، مبراً از مسؤولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه، به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء، کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.»

تبصره ۱: «منظور از طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.»

۲. «سن بلوغ در پسر، پانزده سال تمام قمری و در دختر، نه سال تمام قمری است.»

۳. برای اطلاع بیشتر، رک: رضا نوربها، «مسؤولیت جزایی اطفال و مجانین در قانون راجع به مجازات اسلامی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ص ۳۴.